

باد فروردین !

ز طرف باغ نسیم بهار می آید !
بیایا، که مژده دیدار یار می آید !

دل از سموم زمستان به خون تپید و فسرد
بریز باده که بوی بهار می آید !

به هر کرشمه ساقی که فتنه اش ز پی است
دل بلاکش ما بی قرار می آید !

اگر وفا کند ایام، در حریم چمن
بنفشه خندد و نرگس خمار می آید !

بیایا و در چمن حسن پا گذار از ناز
که سبزه در قدمت جان نثار می آید !

گذشت محنت ایام فرقت لب یار
به محفل دل ما آن نگار می آید !

به شاخ خنده زند عندلیب از سر شوق
که گل به خلوت او بار یار می آید !

سیاهی شب یلدا به دی مه ارزانی
که فروردین به چمن مشکبار می آید !

رضا شاپوریان
دوشنبه ۲۴ آگوست ۱۹۹۸